

جهان‌شهر

یکشنبه اول مهر ۱۴۰۳

شماره ۴۳۳۳

شماره ۴۳۳۳

شماره ۴۳۳۳

FARHIKHTEGANDAILY.COM

شماره ۴۳۳۳

FARHIKHTEGANONLINE



ت‌رور فرماندهان ارشد حزب الله نشان داد صهیونیست‌ها با عبور از خطوط قرمز می‌خواهند جنگ را وارد مرحله تازه‌ای کنند، مختصات جنگ جدید چیست؟

معمای جنگ جدید

سید مهدی طالبی

خبرنگار گروه جهان‌شهر

هفته‌گذشته چهار شگفتی و اتفاق بزرگ در خود داشت؛ محور مقاومت اقدامی بزرگ ترتیب داد و سپس رژیم صهیونیستی تلاش کرد با سه اقدام زنجیره‌ای واکنش نشان دهد؛ در وهله نخست روزیکشنبه یمنی‌ها یک موشک بالستیک تاکتیکی و شکافتن چند لایه پدافند هوایی غرب اهدافی در تل آویو را مورد اصابت قرار دادند. در مقابل رژیم به ترتیب سه عملیات بزرگ و ویژه را علیه مقاومت ترتیب داد؛ درست مشابه واقعه پیشین. در نوبت قبل، پس از حمله یمنی‌ها با یک فروند پهپاد انتحاری به تل آویو در ۲۹ تیرماه، صهیونیست‌ها تنها یک روز بعد به بندر الحدیده یمن حمله‌ای سنگین ترتیب دادند و سپس فؤاد شکر، فرمانده نظامی مقاومت لبنان در بیروت و اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران را ترور کردند. این بار روند کنش یمنی و واکنش‌های زنجیره‌ای صهیونیستی تکرار شده است. هفته‌گذشته صهیونیست‌ها در عملیات اول خود با انفجار پیچرها چهار هزار لبنانی را مرجمین کردند و ۱۴ نفر رایه شهادت رساندند. یک روز بعد، در روز چهارشنبه این بار بی سیم‌های مورد استفاده مؤسسات اجتماعی مقاومت منفجر شدند تا تعداد کل مجروحان طی دو روز به بیش از پنج هزار نفر برسد. روز جمعه صهیونیست‌ها با حمله به ضاحیه بیروت، ۱۲ عضو یگان رضوان شامل هشت فرمانده اصلی ای گروه را به شهادت رساندند. در این حمله ابراهیم عقیل – که گفته می‌شود جانشین فؤاد شکر شده بود– نیز به شهادت رسید. صهیونیست‌ها ادعا می‌کنند این حملات صورت گرفتند تا مقاومت لبنان آتش بس را قبول کند و ساکنان شمال سرزمین‌های اشغالی به خانه بازگردند؛ از ابتدای جنگ نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر در شمال رژیم صهیونیستی آواره شده‌اند. با وجود این در ورای هدف اعلامی، اهداف غیراعلامی نیز وجود دارد. صهیونیست‌ها قصد دارند مانع از آن دسته از اقدامات محور مقاومت شوند که ضلع یمنی نقش ویژه‌ای در اجرای آنها علیه شهر تل آویو ایفا کرده است. در اینجا اما شاید نکته مهم‌تر هم وجود داشته باشد. تل آویو علاوه بر هدف‌های دفاعی، در حال مزه‌مزه کردن شرایط برای اجرای هدف‌های تهاجمی است. در همین راستا به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی در میان عملیات محدود با نتایج تاکتیکی (بازگرداندن ساکنان شمال و قطع ارتباط جبهه لبنان با غزه) با جنگ فراگیر با نتایج راهبردی (انهدام کامل مقاومت در غزه و لبنان) سردرگم است. این مسئله‌ای را می‌توان در اختلاف تشدید شده میان بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و بیوآف گالانت وزیر جنگ او دید. منابع عبری ادعا می‌کنند دلیل این اختلاف مخالفت گالانت با گسترش جنگ علیه مقاومت لبنان است. مخالفت گالانت با جنگ در شمال درحالی‌که بنی گانتز رهبر شاخص اپوزیسیون نیز به جنگ با لبنان اصرار دارد، نمی‌تواند درست باشد؛ به ویژه آنکه آمریکا هم با چنین طرحی مشکلی ندارد. با توجه به چنین صحنه‌ای، آنچه گالانت مخالف آن است، نه جنگ با لبنان، بلکه حرکت به سمت جنگ فراگیر با آن است. آنچه گالانت، گانتز و متحدان خارجی صهیونیست‌ها از آن حمایت می‌کنند جنگ محدود علیه لبنان است؛ جنگی منحصر به جنوب این کشور که هوایا به باشد بدون ورود نیروهای زمینی پر شمار. در مقابل اما نتانیاهو و متحدانش در میان راست‌های افراطی صهیونیست و جمهوری خواهان آمریکایی نظر دیگری دارند. آنها جنگی فراگیر می‌خواهند تا مقاومت در شامات و حتی عراق منهدم شود. فهم این مسئله می‌تواند راهگشای ایجاد موازنه مناسب توسط محور مقاومت باشد.

موازنه جنگی میان لبنان و رژیم صهیونیستی

فضای میان رژیم و مقاومت لبنان تفاوت‌های بسیاری با جنگ شاخص ۲۳ روزه سال ۲۰۰۶ دارد؛ تعداد زخمی‌های جنگ ۳۳ روزه اندکی بیش از چهار هزار نفر بود اما تعداد زخمی‌های سه‌شنبه و چهارشنبه هفته‌گذشته از پنج هزار نفر فراتر می‌رود، همچنین حجم آتش طرفین طی ۱۲ ماه گذشته حتی در بازه‌های زمانی مشابه، به ویژه از سمت مقاومت لبنان بیشتر از جنگ گذشته است. جنگ فعلی اما در حال حرکت به سمت فراگیری است. در این خصوص ظرفیت پذیرش تلفات در میان دو طرف افزایش می‌یابد. اگر در جنگ ۲۰۰۶ راکت باران عمق سرزمین‌های اشغالی به پایان جنگ منجر شد، امروز این‌گونه نیست. با توجه به عدم برابری میان قوای دو طرف به لحاظ «نفرت» او «ابزارهای جنگی»، محور مقاومت در یک جنگ شدید و گسترده میان لبنان و رژیم صهیونیستی باید حمایت‌های مستقیمی از متحد خویش به عمل آورد. مقاومت لبنان با بهره‌گیری از بسیج مردمی شاید قادر به پوشش شکاف در تعداد نیروها باشد اما نابرابری در تجهیزات مشهود است. به لحاظ نیرو، اسعد اذنیوی زمینی رژیم ۱۳ هزار نفر است که می‌تواند با فراخوان ۳۶۰ هزار نیروی ذخیره تقویت‌شده و در حالت حداکثری به ۲۹۰ تا ۵۰۰ هزار نفر برسد. با این حال تل آویو در عمل قادر به فراخوان کامل ۳۶۰ هزار نفر نبوده، پس از ۱۷ اکتبر ۲۲۰ هزار نفر از نیروهای ذخیره برای خدمت حاضر شدند که دوسوم رقم اولیه فراخوان بود. به عبارتی عدد نهایی صهیونیست‌ها روی زمین ۲۵۰ هزار نفر است؛ شامل ۱۳۰ هزار نفر کار در رسمی نیروی زمینی و ۱۲۰ هزار نیروی جذب‌شده طی فراخوان. در مقابل، مقاومت لبنان از حضور بیش از ۱۰۰ هزار نفر در صفوف

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

یک ایالت و ده‌ها نظرسنجی!

نظرسنجی‌ها چه می‌گویند؟

پس از مناظره ۱۰ سپتامبر میان ترامپ و هریس، ۲۰ نظرسنجی در ایالات حساس و خاکستری برگزار شده که مهم‌ترین آنها پنسیلوانیا است. در اکثر نظرسنجی‌ها، شرکت‌کنندگان معتقدند هریس در مناظره مستقیم با مراتب بهتر از ترامپ عمل کرده است اما لزوماً این به معنای چرخش آرای طرفداران ترامپ به سود دموکرات‌ها و نامزد انتخاباتی آنها نیست؛ حتی این قاعده در خصوص رای دهندگان مستقل نیز صادق است؛ جایی که هنوز بسیاری از آنها در خصوص حمایت نهایی از ترامپ یا هریس تردید دارند. در آخرین نظرسنجی سراسری و در سطح ملی، هریس برتری خود را نسبت به رئیس جمهور سابق افزایش داده است. نظرسنجی Morning Consult او را با ۶ امتیاز برتری نشان می‌دهد، درحالی‌که نظرسنجی‌های ABC News/ Ipsos و Yahoo News/YouGov هریس را به ترتیب با ۵ و ۵ امتیاز برتر از ترامپ قلمداد می‌کنند.

قاعدا تا کمپین انتخاباتی معاون رئیس جمهور آمریکا از هر نظرسنجی معتبری که او را حداقل با ۵ امتیاز در پنسیلوانیا بالاتر از ترامپ نشان دهد، استقبال می‌کند؛ نظرسنجی دانشگاه کوئینپیاک در تازه‌ترین پیمایش خود به این نتیجه رسیده که هریس توانسته با اختلاف ۵ درصد در پنسیلوانیا از ترامپ



ورود زمینی مقاومت به شمال فلسطین در هفته گذشته

یک روز پس از شاهکار یمنی‌ها و اصابت موق تک موشک این کشور به اهدافی در تل آویو، در روز دوشنبه سه نفر از مجاهدان مقاومت اسلامی برای بمب‌گذاری در مسیر صهیونیست‌ها وارد سرزمین‌های اشغالی شدند. رژیم دو نفر از این مجاهدان با نام‌های «حسین حسن قهیه» و «علی صبحی منصور» را با حمله پهپادی به شهادت رساند و هم‌اکنون پیکرهای این دو نیز در دستان صهیونیست‌هاست. اقدام مقاومت لبنان در ورود زمینی یک پیشرفت قابل ملاحظه در زنجیره‌های شمال بود؛ با وجود ۱۲ ماه جنگ و ایجاد یک منطقه حائل در نوار مرزی، لبنانی‌ها از ورود زمینی به این منطقه خودداری کرده بودند. اقدام روز دوشنبه اما یک تشدید شدید در فضای جنگ ۱۷ اکتبر بود. این فضا یکی از عوامل موثر بر بحران در شهرک‌های شمالی رژیم صهیونیستی است. پس از هجوم ناگهانی نیروهای حماس به شهرک‌های صهیونیست‌نشین در غلاف غزه که به کشته شدن ۱۲۰۰ نفر و اسارت ۲۵۰ نفر منجر شد ساکنان شمال نیز در هراس وقوع اتفاقی مشابه‌ای از سمت مقاومت لبنان قرار گرفتند؛ چه اینکه تنها یک روز بعد، این گروه حملات خود به سرزمین‌های اشغالی را آغاز کرد. ساکنان شهرک‌ها که بنابر نقل‌های مختلف تعدادشان بین ۶۰ تا ۲۰۰ هزار نفر است، اعلام کرده‌اند در صورتی‌که مقاومت لبنان به پشت رودخانه لبثانی عقب‌نشینی نکند به منازل خود بازمی‌گردند. در چنین شرایطی عبور رزمندگان لبنانی از مرز معنای بزرگ‌تری پیدا می‌کند. این ورود به معنای نفوذهای متعدد در طول روزهای آینده است و می‌تواند به تخلیه مناطق بیشتری در شمال منجر شود. به نظر می‌رسد اقدام روز یکشنبه یمن در پرتاب موشک به تل آویو و روز دوشنبه مقاومت لبنان در ورود محدود زمینی به شمال سرزمین‌های اشغالی، در چهارچوب کارزار هماهنگ محور مقاومت برای اعمال فشار برای پایان جنگ غزه صورت گرفته و باعث ترس نتانیاهو شده است. اگر شکست نتانیاهو و تل آویو در غزه نهایی شود غول ترسناک غرب در منطقه به بازیچه تبدیل خواهد شد. نتانیاهو احتمالاً با ملاحظه این دو تحرک از جمله ورود زمینی مقاومت به شمال فلسطین، سعی کرد نقشه انفجار پیچرها و بی‌سیم‌ها را به سرعت اجرایی کرده و همچنین دست به ترور فرماندهان یگان رضوان بزند؛ یگانی که وظیفه‌اش ورود زمینی به جولان است.

خود خیر داده‌که با استعداد نیروی زمینی صهیونیست‌ها تقریباً برابر است. در این شرایط تعداد نیروهای لبنان یک سوم آنها خواهد بود. برای جریان کسری دوسومی یا ۲۲۰ هزار نفری که به دلیل وجود نیروهای ذخیره در رژیم صهیونیستی ایجاد می‌شود، مقاومت لبنان می‌تواند روی فراخوان در جامعه شیعیان، جلب همکاری جنبش امل به عنوان دیگر گروه شیعی و همکاری متحدان سنی، مسیحی و دروزی خود حساب کند. در این میان به حضور نیروهای عراقی، یمنی، افغانستانی و ایرانی نیز می‌توان اتکا کرد. در این صورت مقاومت لبنان قادر خواهد بود نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر را در برابر ۲۵۰ هزار صهیونیست متف کند. عامل کمکی برای لبنانی‌ها، عدم گنجایش زمین لبنان و فلسطین اشغالی برای فعالیت همزمان نظامی توسط این حجم از نیروست، بنابراین از عددی به بعد، نیروها به بازی اضافه در جنگ تبدیل می‌شوند. این اتفاق یک بار دیگر در جنگ ۳۲ روزه رخ داد. صهیونیست‌ها جنگ را با ۱۰ هزار نفر آغاز کردند و با گره خوردن درگیری‌های این تعداد را به ۳۰ هزار نفر رساندند اما این اقدام جز افزایش تلفات سود دیگری نداشت. زیرا محیط منطقه بسیار کوچک بود. چنین مسائلی نشان می‌دهد مقاومت لبنان از نظر کمیت نیروی انسانی، مشکل چندانی برای موازنه در برابر صهیونیست‌ها ندارد. در خصوص ابزارهای جنگی اما وضعیت متفاوت است. مقاومت لبنان حجم سلاح‌های خود را افزایش و فناوری‌شان را بهبود بخشیده اما این توانمندی‌ها با ظرفیت رژیم صهیونیستی قابل مقایسه نیستند. توانمندی‌های مقاومت لبنان جایی به کار می‌آیند که بتوانند با ضربه به نقاط حساس، صهیونیست‌ها را به بازی بازآوندگی بکشانند، به عبارتی دیگر سلاح لبنان زمانی سودمند و قابلیت برابری با رژیم صهیونیستی را دارد که صهیونیست‌ها از هراس نابودی تأسیسات و مراکز حساس‌شان، از تحرک و تجاوز به لبنان منصرف شوند. در جنگی فراگیر که صهیونیست‌ها با هر هزینه‌ای حتی هدف قرار گرفتن مراکز حساس‌شان خواهان جنگ‌باشند، وضعیت امنیتی‌رمی‌کنند از ابتدای جنگ تاکنون، صهیونیست‌ها در مقاطع مختلف به این ایده رسیده‌اند که حالا و در شرایطی که هزینه بالایی متحمل شده‌اند، باید تا انتها بپروند. آنها معتقدند پس از نابودی مقاومت در شامات،

فرصت بازسازی تأسیسات نابود شده با تضمین امنیتی بلندمدت وجود خواهد داشت. در این نقطه، توازن میان لبنان و رژیم صهیونیستی برهم خورده و محور مقاومت باید با اصلاح دیگر خود، شرایط یک جنگ فراگیر در شامات را کنترل کند. به نظر می‌رسد تمهید مقاومت برای این لحظه، ضربات شدید به رژیم در حین جنگ با لبنان از مسیر یمن، عراق و حتی سوریه است. اگر در سناریوی جنگ محدود به جنوب لبنان، مقاومت این کشور به شمال سرزمین‌های اشغالی وارد شود، در سناریوی جنگ فراگیر یگان‌های زمینی محور مقاومت در سوریه و عراق که شامل هزاران یمنی نیز می‌شود، به رژیم حمله خواهند برد. نقطه قفل سناریوی جنگ عظیم برای نابودی کامل مقاومت در غزه و لبنان، اتصال جبهه‌هاست.

نتانیاهو و یابودجانی حاکم بر تل آویومی داندند هر سناریوی جنگی می‌تواند قطعه‌ای از فلسطین را از دست‌شان بریابد؛ سناریوی جنگ محدود، قطعه‌ای مانند شمال و جنگ فراگیر مناطقی مانند شمال، جولان، کرانه باختری و شاید تمام سرزمین فلسطین باشد. باید توجه داشت حمله لبنان به اللجلیل تنها در صورت سناریوی جنگ محدود به کار می‌آید و در صورت حمله همه‌جانبه رژیم صهیونیستی، دیگر اضلاع مقاومت باید به شکلی گسترده وارد درگیری شوند.

نکات مهم

در خصوص درگیری‌های سخت هفته‌گذشته و سناریوهای آتی، نکاتی وجود دارد:

۱. علی‌رغم وجود لابی‌های صهیونیستی در آمریکا، به دلیل وابستگی بالای تل آویو به کمک‌های مالی ولشنگتن و آمریکایی بودن ابزارهای نظامی‌اش، به‌شدت تحت تأثیر اراده آمریکا در امور کلان و حتی اجزای‌اش در امور جزئی است. انفجار پیچرها و بی‌سیم‌ها که شامل چند عنصر بود، اوج حمایت آمریکا از رژیم صهیونیستی را نشان می‌دهد؛ نخست آنکه در این حملات هدف، توده مردم بودند. دوم آنکه در این حمله پنج هزار نفر زخمی شدند، سومیین مورد به بروز تلفات در مدت کوتاه مربوط است که استفاده صهیونیست‌ها از روش‌ها و قابلیت‌های کشتار جمعی را نشان می‌دهد. در وهله چهار مجروحان اغلب دارای قابلیت‌های کشتار جمعی هستند؛ نکته جالب توجه اینکه موسسه ماریست، همین نظرسنجی را در ایالات میشیگان صورت داده که در آن نیز هریس توانسته با اختلافی ۵ درصدی، گوی سبقت را از نامزد سرسخت جمهوریخواهان بریابد. این موضوع، گزاره ارتباط مستقیم نتایج آرای انتخاباتی در ایالات سه‌گانه (پنسیلوانیا، میشیگان و ویسکانسین) را تأیید می‌کند.

چرا ترامپ همچنان امیدوار است؟

اما در اینجا دلایلی نیز برای امیدواری ترامپ در رقابت با هریس در پنسیلوانیا وجود دارد که نمی‌توان از کنار آنها عبور کرد. نظرسنجی نیویورک تایمز که روز پنجشنبه منتشر شد، نشان داد رقابت در سراسر آمریکا در میان رای دهندگان احتمالی مساوی بوده و ترامپ در ایالت پنسیلوانیا با اختلاف یک درصد از رقیب خود هریس پیشی گرفته است. نظرسنجی کالج The Hill و ABC News در صورت نیز مدعی برتری یک درصدی ترامپ در پنسیلوانیا و ویسکانسین است. صورت مساله مشخص است؛ رئیس جمهور سابق آمریکا همچنان می‌تواند بخش‌هایی از دیوار آبی دموکرات‌ها را خراب کند. همچنین نظرسنجی امرسون بیانگر برتری ۳ درصدی ترامپ در ایالت جورجیا و برتری یک درصدی او در آریزونا است. دویالتی که بایدن در سال ۲۰۲۰ موفق به فتح آنها شده بود.

جراحات شدیدند و در مورد پنجم، مهم آنکه عملیات نه با هدف مجروحیت، بلکه کشتار طراحی شده بود. آمریکا پس از این اتفاق با ابعاد ضد بشری، اظهار نظر و تحرکی در رد آن انجام نداد. جز آنکه ادعا کرد در آن مشارکت نداشته و بی‌خبر بوده است. بر همین اساس اقدامات رژیم صهیونیستی را نباید با اتکا بر اختلافات میان نتانیاهو و دموکرات‌ها تنها ساخته و پرداخته دولت کنونی تل آویو دانست. ۲. مقاومت دارای توان بالایی است. مجروح شدن پنج هزار نفر در خلال عملیات‌های چند ساعته طی دو روز، به همراه عملیات ترور روز جمعه نشان داد مقاومت لبنان به شدت گسترده است که می‌تواند چنین ضرباتی را هضم کند. این نکته می‌تواند تأثیرات مهمی در خصوص تصمیم غرب برای حرکت به سمت جنگ فراگیر یا جنگ محدود و حتی کنار گذاشتن سناریوی جنگ داشته باشد. بر همین مبنا مقاومت با فاصله پس از این اقدامات بر تعداد و شدت عملیات‌های خود در شمال فلسطین اشغالی افزوده و تعداد آنها را با افزایش دوبارایی به نزدیک ۲۰ عملیات در روز رسانده است.

۳. هدف از تشدید جنایت‌ها در ترکیبی از به رخ کشیدن برتری فناوری، کشتار و ترور مرکز فرماندهان، اعلام تهدید عملی علیه دیگر اضلاع محور مقاومت است. راه جلوگیری از عملی شدن این تهدیدات نه عقب‌نشینی و سکوت، بلکه ساماندهی صحنه‌های تهدید سنگین علیه متجاوزان است.

۴. رژیم به صراحت خطوط قرمز را زیر پا گذاشته و نه در خصوص بیروت و نه در خصوص حمله به بافت شهری محدودیتی قائل نیست. در این شرایط باید رعایت اصول حفاظتی بیشتر از گذشته مورد توجه قرار گیرد. محل برگزاری جلسات، تعداد اعضای حاضر و همچنین رتبه افراد توجه‌کننده در یک نقطه اهمیت بالایی دارد. همچنین باید از برخی تحرکات غیر ضروری پرهیز کرد و در میدان و پشت صحنه، از نیروهای جدید برای کسب تجارب بهره گرفت.

۵. رژیم صهیونیستی ضربات سنگینی در جنگ خورده و قصد دارد با بهره‌گیری از ذخایر مهم خود، مانند پیچرها بتواند با وارد آوردن ضربات متقابل، مانع تغییر موازنه قوا شود. مجموع تلفات نظامی صهیونیست‌ها آن‌گونه که با تیر لاپید نخست‌وزیر سابق و یکی از رهبران اپوزیسیون اعلام کرده، برابر با ۱۰۱ هزار و ۷۰۰ زخمی و ۷۰۰ کشته است که خروج‌شان از خدمت معادل ۱۲ گردان است. با توجه به اینکه هر پیپ در ساختار نظامی رژیم بین دو تا پنج هزار نیرو دارد و هر سه تیپ به‌طور معمول یک لشکر را تشکیل می‌دهند، رژیم یک لشکر کامل را از دست داده است. تل آویو علاوه بر انتقام جویی و تخریب به جهت ترساندن دشمنان برای بازسازی بازآرندگی، قصد دارد موازنه قوا را نیز به نفع خود اصلاح کند.

اقدامات مقاومت

محور مقاومت باید اقدامات خاصی را در مرحله کنونی نبرد به اجرا درآورد:

۱- رژیم صهیونیستی در پیام‌های خود، هدف اعلامی‌اش از آنها جنات هفته گذشته را با زکشت آزارش به نوار شمالی اعلام کرده، پس راهکار مقابله‌ای مقاومت لبنان، تشدید در شمال است. این موضوع در سه‌شاخه در دستور کار قرار گرفته است؛ نخست رشد تعداد حملات، دوم افزایش میزان آتش و باکالگری تسلیحات ویژه و مانند روزمره شدن بهره‌گیری از پهپاد‌های انتحاری و سوم ورود زمینی به شمال سرزمین‌های اشغالی.

۲. آمریکا و انگلیس به عنوان دو حامی اصلی صهیونیست‌ها باید مجازات شوند. بر اساس قاعده نبرد و همان‌گونه که اعضای غریبومی و مستقر شده محور مقاومت در سوریه و لبنان هدف قرار می‌گیرند، مواضع و مستشاران غربی حاضر در سرزمین‌های اشغالی نیز باید وارد دایره اهداف شوند. مستشاران مستقر در واحدهای نظامی رژیم صهیونیستی که در تحولات شامات نقش دارند نباید در امنیت فعالیت کنند.

۳. پیشبینی‌های بیرونی و مستقیم از کرانه باختری لازم است. اگر موشک‌ها و پهپاد‌ها به تل آویو می‌رسند، جزایه کرانه پرتاب نشوند؟ در طول جنگ چند منطقه در فلسطین اشغالی درگیر جنگ بوده‌اند اما در هیچ‌کدام از این مناطق، انطباقی میان حملات هوایی و زمینی صورت نگرفته است. مشخص است در وضعیت کنونی امکان هماهنگی میان نیروهای هوایی و زمینی مقاومت در فلسطین اشغالی وجود ندارد اما انطباق راهگشای این مرحله است. در غزه نیروهای مقاومت در زمین می‌جنگند بدون آنکه تأسیسات رژیم صهیونیستی در اطراف این منطقه مورد هدف حملات پرتابه‌های محور مقاومت قرار گیرند؛ درحالی‌که یمنی‌ها از ایلات تائل آویو یعنی مناطقی قبل تا بعد غزه را هدف قرار داده‌اند. در منطقه شمال و جولان نیز مقاومت مانند تل آویو در مرکز و ایلات در جنوب، بر حملات هوایی مبتنی بر پرتابه‌ها از موشک‌های هدایت‌شونده تا راکت‌ها و پهپاد‌های انتحاری تمرکز دارد. در این میان کرانه باختری وضعیت مشابه با غزه دارد. نیروهای مقاومت در زمین عملیات می‌کنند، اما با وجود زیر آتش قرار داشتن مواضع صهیونیست‌ها در دیگر مناطق، خبری از حملات موشکی و پهپادی به نقاط استقرار نظامی صهیونیست‌ها در کرانه توسط اضلاع مقاومت نیست. این اشکال در شرایطی صورت می‌گیرد که در غزه و کرانه باختری با توجه به وضعیت اشغالی این دو منطقه که مورد تأیید جامعه جهانی است، اقدامات مقاومتی دارای مشروعیت است. از سوی دیگر وقوع حملات هوایی در آن می‌تواند به شکل غیروستقیم از حملات زمینی مقاومت حمایت کند.

تعارض نتایج نظرسنجی‌ها

اگرچه در مجموع، نظرسنجی‌های صورت گرفته در ایالات خاکستری به سود هریس و دموکرات‌هاست اما تعارضاتی که در خروجی نهایی نظرسنجی‌ها وجود دارد به گونه‌ای است که مخاطبان آمریکایی را سردرگم ساخته است. این موضوع، خود را در رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ نیز نشان داد؛ جایی‌که دموکرات‌ها با استناد به ده‌ها نظرسنجی مدعی بودند در رقابت با ترامپ در ایالت فلوریدا پیروز خواهند شد اما ماجرا به‌گونه‌ای متفاوت رقم خورد و نامزد جمهوریخواهان دوباره توانست آرای اکثرال این ایالت حساس را به سید رای خود وارز کند. در مقابل، اکثر نظرسنجی‌های صورت گرفته، شکست ترامپ در ایالات جورجیا و آریزونا را پیش‌بینی نمی‌کردند اما این اتفاق رخ داد و شوک بسیار سختی را به اردوگاه جمهوریخواهان وارد ساخت. از سوی دیگر، هر نظرسنجی در مورد هر موضوعی دارای حاشیه خطاست و به اصطلاح، مستعد انبیز؛ است؛ یعنی اعدادی که به دلیل متغیرهای ذاتی در فرآیند نظرسنجی تغییر می‌کنند. از این رو کامکان با رقابتی پیش‌بینی‌ناپذیر میان ترامپ– هریس در ایالت پنسیلوانیا و متعاقباً دو ایالت ویسکانسین و میشیگان روبه‌رویم. رقابتی که خروجی آن رئیس جمهور آینده آمریکا را مشخص خواهد کرد.